



۲۰۲۱/۰۴/۱۷

نویسنده: داکتر حکیم نعیم استاد تاریخ تحلیلی در پوهنتون برکلی

مسئله "خروج" را که قدرتمندان امریکا در تعامل با طالبان مطرح کرده اند خیلی ها سنجیده شده است

اول اینکه نباید فکر کنیم که ساختار قدرت امریکا از افغانستان خارج می شود. این گپ خروج نیست بلکه بهتر است این پروسه را تجدید روش و جابجایی نیرو ها برای یک جنگ دیگر در منطقه نامید. آقای بایدن آنچه را که اوپاما در عراق انجام داد در افغانستان انجام می دهد. اوپاما با تبلیغات لیبرالی گویا به جنگ عراق پایان داد. فقط، هنوز هم بین 3000 هزار تا 5000 هزار عسکر امریکایی، یک نیروی بزرگ استخباراتی و هزار ها قراردادی جنگی و استخباراتی امریکا در عراق وجود دارد* . لیبرال دموکرات ها مهارت، امکانات، و قدرت عظیمی در خلق گفتار های تبلیغی و شکل دهی افکار عامه دارند. هر چند بزرگ ترین دروغ ها و خطرناکترین جنگ طلب ها همین ها هستند. اوپاما با شعار ختم جنگ در عراق توانست، جنگ را به سه کشور دیگر (یمن، لیبیا، سوریه) گسترش دهد. اینبار نوبت بایدن است که زیر نام ختم جنگ در افغانستان تهدیدی را برای چین، روسیه، و ایران ایجاد کند.

دوستان زیادی از من خواسته اند که نظراتم را در مورد آنچه که "مذاکرات صلح" خوانده می شود، بنویسم. هر چند من به تکرار در رابطه به "صلح" گفته و نوشته ام، فقط جا دارد که در مورد نقش مقطعی ترکیه و صف بندی های قدرت امریکا در منطقه یک کمی به تفصیل بحث شود.

اول، باید تکرار کنم که نه جنگ از مردم افغانستان بوده و است و نه آنچه که بنام صلح جریان دارد، صلح مردم افغانستان است و خواهد بود. وابسته گی استعماری متاسفانه پیامد های دراز مدت و خونین دارد که مردم بیچاره کشور های استعمار شده می پردازند. جنگ افغانستان از آغاز یک پروژه استخباراتی برای شکل دهی سیاسی و جغرافیای منطقه بود و افغانستان هم بمثابه پایگاه و به گفته یک پروفیسور ترک از پوهنتون دفاع ملی ترکیه، "لابراتوار" برای قدرت های بزرگ و منطوقی بوده و است. نقش سازمان های استخباراتی از ابتداء در افغانستان برجسته بود و این پالیسی جدید نیست که با آمدن بایدن آغاز شده است. افغانستان یگانه کشوریست که سازمان های استخباراتی در آن ملیشه های نظامی دارند. ملیشه های سی ای ای در خوست و سرتاسر مناطق مرزی افغانستان فعالیت دارند.

نقش ترکیه را هم در افغانستان باید در این بازی استخباراتی منطقه یی و فرا منطقه یی مطالعه کرد. پیشینه امروزی همکاری ترکیه با امریکا به نخستین روزهای حمله امریکا به افغانستان در سال 2001 بر می گردد. قدرت مندان ترک با استفاده از نفوذ شان در پاکستان و همکاری شان با نیرو های شمال آن زمان رابطه خوبی با طالبان و جبهه شمال آن زمان داشتند. ترکیه قبل از اینکه نیرو های امریکایی داخل افغانستان شود، استخبارات زیادی را در مورد افغانستان به امریکا فروخت. نگرش قدرت مندان ترکیه به افغانستان هم استخباراتی است. و اکثر سفیر های ترکیه در افغانستان به شمول سفیر فعلی، سابقه استخباراتی و امنیتی داشتند و دارند. (طبعاً، مردم ترکیه احترام، علاقه و دوستی خاصی به افغان ها داشتند و دارند. من به مثابه کسی که سالها در ترکیه زندگی کرده ام علاقه و احترام ترک ها را به مردم افغانستان از نزدیک شاهد بوده ام). دولت مندان ترکیه در کل سه هدف مهم را در افغانستان دنبال می کنند:

- استفاده از افغانستان در معامله با امریکا و اروپا برای اهداف کلان و نزدیک شان در منطقه

- حفظ نفوذ و رابطه با تمام جریان ها و قوای نیابتی محلی در افغانستان

- سهم بردن از ذخایر و منابع طبیعی افغانستان

ترکیه در استفاده از افغانستان برای امتیاز گیری و معامله با امریکا خیلی ها موفق بوده است. در چندین موارد توانسته با توسل به نفوذش در افغانستان و یا هم کنترل نیرو های نیابتی اش در افغانستان با امریکا معامله کند و امتیاز بگیرد. به طور مثال زمانی که امریکا در سال 2017 می خواست دوستم را به تعبید بفرستد و از شمال دور کند و

دوستم نمی خواست از افغانستان خارج شود، با ترکیه معامله کرد. از تاریخ 15 تا 18 می سال 2017 رجب طیب اردوغان در امریکا بود و از اداره امریکا می خواست که امریکا به مسلح سازی کرد ها در سوریه خاتمه بدهد. در مقابل ترکیه در افغانستان، اوکراین و عراق به امریکا کمک می کند. به تاریخ 18 می اردوغان به ترکیه برگشت و به تاریخ 19 می دوستم را با طیاره ترکیه به ترکیه خواست و زیادتز از یک سال به خواهش امریکا در ترکیه نگاه کرد. برای قدرتمندان ترکیه مساله سوریه، اوکراین، آذربایجان، عراق و ایران مهمتر از افغانستان است و متاسفانه فکر می کنند که افغانستان "یک لابراتوار" برای قدرت های بزرگ است که ترکیه هم مانند ایران و پاکستان هر چندگاهی باید از این لابراتوار نفع ببرد. هر چند کنفرانس "صلح" در استانبول برای افغانستان خوانده می شود، ولی در حقیقت این پروسه دوباره چیدن نیروها برای شکل دهی اتحاد های نو در منطقه روی مسایل کلان مانند، روسیه، ایران و چین است. افغانستان تنها دستاویز و میدانی برای این بازی کثیف و خونین است. طبعاً، روسیه، ایران پاکستان هم تقریباً پالیسی مشابه در مورد افغانستان دارند.

مساله "خروج" را که قدرتمندان امریکا در تعامل با طالبان مطرح کرده اند هم خیلی ها سنجیده شده است. اول اینکه نباید فکر کنیم که ساختار قدرت امریکا از افغانستان خارج می شود. این گپ خروج نیست بلکه بهتر است این پروسه را تجدید روش و جابجایی نیرو ها برای یک جنگ دیگر در منطقه نامید. بایدن آنچه را که او با ما در عراق انجام داد در افغانستان انجام می دهد. او با ما با تبلیغات لیبرالی گویا به جنگ عراق پایان داد. فقط، هنوز هم بین 3000 هزار تا 5000 هزار عسکر امریکایی، یک نیروی بزرگ استخباراتی و هزار ها قراردادی جنگی و استخباراتی امریکا در عراق وجود دارد. (پنتاگون تعداد رسمی نیرو های امریکایی در عراق را 2500 نفر اعلام می کند.) "لیبرال دموکرات" ها مهارت، امکانات، و قدرت عظیمی در خلق گفتن های تبلیغی و شکل دهی افکار عامه دارند. هر چند بزرگ ترین دروغ ها و خطرناکترین جنگ طلب ها همین ها هستند. او با ما با شعار ختم جنگ در عراق توانست، جنگ را به سه کشور دیگر (یمن، لیبیا، سوریه) گسترش دهد. اینبار نوبت بایدن است که زیر نام ختم جنگ در افغانستان تهدیدی را برای چین، روسیه، و ایران ایجاد کند.

متاسفانه، مردم افغانستان قربانی اول این به ظاهر "خروج" اند. آنچه را که در آینده نه چندان دور شاهدش خواهیم بود:

-طالبان بر طبل جنگ خواهند کوبید. ولی آنچه را که از حنجره طالبان بیرون می شود به نوعی گپ قدرتمندان جنگ طلب امریکایی است. جنگ طلبی طالبان با امتیاز گیری زیادتر که با فشار امریکا گرفته خواهد شد، همراه خواهد بود. توجه کنید که این قدرتمندان امریکا بودند که زیادتر از پنج هزار زندانی و قاچاقچیر را رها کردند و برای این کار حتا به دولت غنی مشروعیت دادند. (برای یک لحظه فکر کنید، اگر خلیلزاد، میلر و دیگران در مراسم سوگند عبدالله اشتراک می کردند، دولت غنی به این شکنش وجود می داشت؟) به همین شکل، هزاران زندانی دیگر به کوشش امریکا در آینده بسیار نزدیک رها می شوند.

-این رها شده گان با بقایای "طالبان" به مانند یک نیروی نامریی در مناطق استراتژییک افغانستان به یکبارگی زیر یک نام و با یک بیرق دیگر ظهور می کنند که مانند سوریه و عراق به چند پارچه گی افغانستان منجر می شود. فراموش نشود که اکثریت نیروهای که زیر نام داعش در سال 2014 شهر های عراق تصرف کردند (به شمول رهبران شان)، چندگاهی را در زندان های امریکا در عراق خوابیده بودند.

-تعدادی زیادی از نیروهای استخباراتی امریکا، که قدرت رزمی دارند، قراردادی های شان و ملیشه های افغان شان برای سمت و سو دهی این پلان در افغانستان می مانند. نیرو های امریکایی هر لحظه که تطبیق این پلان شانرا در خطر ببینند، داخل افغانستان می شوند.

متاسفانه وابسته گی یک پروسه ای است که همیشه انجام خونین دارد. طبعاً که نخبه گان وابسته افغان نقش مهمی در این پروسه خونین داشتند و دارند. من از سال 2004 به این طرف به تکرار نوشته ام: طالبان و لیبرال های وابسته و مدرن شده افغان دو روی یک سکه اند که در تقابل و تعامل با یک دیگر در یک بازی استعماری افغانستان را ویران می کنند.

*پنتاگون تعداد رسمی نیرو های امریکایی در عراق را 2500 نفر اعلام می کند.

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ